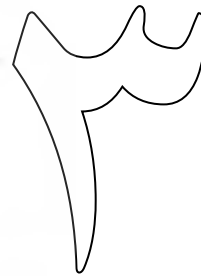


فتوای رهبری در مورد
سلاح‌های تخریب جمعی:
سرچشمه، اهمیت و تأثیرات



فرهاد شهبابی سیرجانی *

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

farhadshahabi2000@yahoo.com

تاریخ تصویب: ۹۳/۴/۱۲

* دکتری روابط بین‌الملل از دانشگاه کنت

تاریخ دریافت: ۹۲/۱۱/۱۳

فصلنامه روابط خارجی، سال ششم، شماره دوم، تابستان ۱۳۹۳، صص ۶۹-۹۶.

چکیده

از سال ۱۳۹۱ (۲۰۱۲)، وجود، اعتبار و ماندگاری فتوای مقام معظم رهبری علیه سلاح‌های تخریب جمعی، از سوی برخی مطبوعات غربی مورد سؤال قرار گرفت و با نگاهی غیرعلمی نفی شد. این مقاله در پی بررسی علمی سؤال مزبور و دریافت پاسخ صحیح به آن است. افزون بر ارائه منابع و متون فتوا که حکمی شرعی - حکومتی است به ریشه‌های تاریخی و استحکام منطقی آن نیز توجه شده است. هدف از این کار، ارائه اطلاعات درست و روشن و بررسی چرایی صدور چنین حکمی، اهمیت و اعتبار آن و دریافت نسبت آن با اصول و قوانین بین‌المللی است. ارتباط آن نیز با برخی از مهم‌ترین مشکلات مربوط به صلح و امنیت بین‌المللی مورد توجه قرار گرفته است. در این زمینه، به بررسی کم‌وکیف همسویی‌های فتوا، به‌ویژه در بعد حقوقی، با اصول بین‌المللی منع اشاعه و خلع سلاح هسته‌ای پرداخته‌ایم. این بررسی نشانگر آن است که فتوای مزبور، هم بر پایبندی ایران به منع سلاح‌های تخریب جمعی تأکید دارد و هم در چارچوب ترتیبات بین‌المللی پادمان هسته‌ای، بر حق غیرقابل انتزاع ایران به توسعه علمی و فناوری و استفاده صلح‌آمیز از انرژی و فناوری هسته‌ای توجه دارد. همچنین، در موارد مهم چندی، تعهد پذیرفته‌شده از سوی ایران به واسطه این فتوا، از جامعیت و ماندگاری ماهیتاً برتری نسبت به آن‌پی‌تی برخوردار است و لذا می‌تواند به‌عنوان زیربنای مستحکمی برای ساخت و توسعه اعتماد بین‌المللی نسبت به برنامه هسته‌ای ایران و نیز در حکم پشتوانه‌ای قوی و ماندگار در حمایت از اصول بین‌المللی منع سلاح‌های تخریب جمعی تلقی شود. با توجه به نقش تعیین‌کننده آن نسبت به برنامه هسته‌ای ایران، لازم است در سطح ملی، سازوکار قانونی و اجرایی یافته و نیز در عرصه تعاملات بین‌المللی به‌نحوی برتر مورد بهره‌برداری قرار گیرد.

واژه‌های کلیدی: فتوا علیه سلاح‌های تخریب جمعی، سلاح‌های هسته‌ای، حکم شرعی - حکومتی، فناوری هسته‌ای صلح‌آمیز، تعهد سیاسی - حقوقی

مقدمه

این مقاله علمی حاصل تحقیقی است که به منظور رفع برخی بدفهمی‌ها و ادعاهای نادرست (Smith, 2012)^(۱) از جمله مبنی بر غیرقابل یافت یا مصلحتی بودن فتوای^(۲) بسیار مهم صادرشده توسط مقام معظم رهبری، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، علیه سلاح‌های تخریب جمعی^۱ انجام شده است.^(۳) هدف از این کار ارائه اطلاعات درست و روشن در این باره از منابع و متون فتوا، بررسی علت صدور، اهمیت و اعتبار آن، با بذل توجه خاص به ثبات منطقی و ریشه‌های تاریخی آن، و سنجش میزان ارتباط این فتوا با حقوق بین‌الملل است. نکته اخیر از طریق بررسی همسویی‌های حقوقی این فتوا با اصول بین‌المللی منع اشاعه و خلع سلاح هسته‌ای^۲ محقق شده است. این بررسی از آن رو مهم است که با برنامه هسته‌ای به شدت سیاسی شده ایران ارتباط تنگاتنگی دارد. همچنین روشن شدن واقعیت انکارناپذیر و ماهیت انسان‌دوستانه و امنیت‌گستر این فتوا به حل مسئله کنونی هسته‌ای ایران کمک می‌کند و به شکلی اساسی و بسیار بلندمدت‌تر نیز دارای پیامدهای بسیار مهمی در عرصه پرشور و تحرک ملی و در افق پرآشوب و نگران‌کننده صلح و امنیت بین‌المللی است.

۱. سرچشمه و اهمیت فتوا

سلاح‌های هسته‌ای، بیولوژیک و شیمیایی را به درستی سلاح‌های تخریب جمعی می‌دانند. این سلاح‌ها که به منظور ایجاد وحشت و نابودی گسترده طراحی شده‌اند،

1. Weapons of Mass Destruction (WMD)

2. Nuclear Weapons non-proliferation and Disarmament

ظرفیت کشتار هزاران هزار انسان را در یک یورش دارند و ممکن است آثار آن در محیط و در بدن انسان‌ها گاهی به شکل دائمی باقی بماند (WMDCommission, 2006).

ایران به همه معاهدات منع سلاح‌های تخریب جمعی از جمله: معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای (ان.پی.تی)، معاهده منع جامع آزمایشات هسته‌ای^۱، کنوانسیون منع سلاح‌های بیولوژیک^۲ و کنوانسیون منع سلاح‌های شیمیایی^۳ متعهد است. ایران به‌عنوان کشوری که پایبند به معاهدات منع سلاح‌های تخریب جمعی، به‌ویژه ان.پی.تی است، در اشکال حقوقی و سیاسی متعهد به اصول منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای می‌باشد. ولی در سال‌های اخیر، بر مبنای اتهامات بی‌پایه در مورد نقض ان.پی.تی توسط ایران و تکرار دائمی آن در تناقض با گزارش‌های آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، ایران مورد تحریم‌های ناعادلانه، تهدیدات نظامی غیرقانونی، خرابکاری فنی و ترور دانشمندان هسته‌ای قرار گرفته است. تحت چنین شرایط به شدت وحشیانه و خطرناک بین‌المللی، فتوای جامع رهبری علیه سلاح‌های تخریب جمعی، بر مبنای اصول ارزشی و انسانی دین اسلام صادر شد. علاوه بر تعهد حقوقی و سیاسی ایران به اصول منع گسترش سلاح‌های تخریب جمعی، صدور این فتوا، در بالاترین سطح حکومت در ایران نیز نشانگر تعهد دینی جدی و عمیق حکومت به اصول مزبور است. از این منظر، فتوای رهبری از ظرفیت ویژه‌ای برای ایجاد و افزایش اطمینان در صحنه بین‌المللی، نسبت به ماهیت صلح‌آمیز برنامه هسته‌ای ایران برخوردار است. شاید بیش از هر علتی، به‌واسطه این ویژگی بوده است که فتوا مورد نفی و تحریف محافل جنگ‌طلب و معاند با ایران واقع شده است.

این فتوا که اساساً ریشه در حقوق بین‌الملل اسلامی دارد، از یک سو تولید، نگهداری، کاربرد و حتی تهدید به کاربرد سلاح‌های تخریب جمعی، به‌ویژه سلاح‌های هسته‌ای را ممنوع می‌شمارد و از سوی دیگر، بر کسب فناوری و کاربرد صلح‌آمیز انرژی هسته‌ای و دیگر فناوری‌های صلح‌آمیز تأکید دارد. لذا فتوای مزبور،

-
1. CTBT
 2. BWC
 3. CWC

از جنبه‌های چندی، به‌ویژه در زمینه صلح، امنیت، همکاری و توسعه بین‌المللی، دارای اهمیت ویژه است. همان‌گونه که در بالا اشاره شد، به‌واسطه ماهیت دینی آن، فتوای رهبری از ظرفیت ویژه‌ای برای ایجاد و افزایش اطمینان در صحنه بین‌المللی، نسبت به ماهیت صلح‌آمیز برنامه هسته‌ای ایران، برخوردار است. صدور این فتوا، در بالاترین سطح حکومت دینی در ایران، دارای اهمیتی بس فراتر از یک حکم دینی معمولی است که عمدتاً مقلدان آیت‌الله خامنه‌ای، در ظرفیت مرجع تقلید، ملزم به پیروی از آن هستند. بلکه فتوای مزبور در واقع دارای ویژگی‌های یک حکم حکومتی است که نه با رویکردی مصلحت‌اندیشانه^(۴)، بلکه با تدبیری اصولی و برخوردار از ریشه‌های عمیق دینی، صادر شده و در سطح ملی و در تعاملات بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران، لازم‌الاجرا است. به بیان دیگر، این فتوا از یک سو دارای منزلت یک حکم دینی بسیار مهم است که ریشه در احکام اولیه اسلامی دارد و لذا از مفاهیم عمل‌گرایانه‌ای همچون مصلحت‌اندیشی یا تقیه مبراست، از سوی دیگر، حکم حکومتی فوق‌العاده مهمی است که پیامدهای ملی بسیار مهمی در ابعاد حقوقی، سیاسی، نظامی و صنعتی دارد. اگرچه این فتوا، یا در واقع حکم حکومتی اسلامی، از ایران و تعهدی دینی برعهده و مربوط به این کشور است، فتوای مزبور همچنین می‌تواند دارای تأثیرات قابل توجهی در عرصه بین‌المللی منع سلاح‌های تخریب جمعی باشد.

اگرچه این امیدواری وجود دارد که در پابندی نسبت به قرارداد منع آزمایش‌های هسته‌ای (سی.تی.بی.تی)، کشورهای دارای سلاح هسته‌ای از توسعه قابل اطمینان سلاح‌های هسته‌ای‌شان در بعد کیفی به میزانی قابل توجهی محروم شده باشند، لیکن بسیار تأسف‌آور و نگران‌کننده است که با گذشت بیش از ۴۰ سال از لازم‌الاجرا شدن قرارداد منع اشاعه سلاح‌های هسته‌ای (ان.پی.تی)، پیشرفت قابل ملاحظه‌ای در بعد خلع سلاح هسته‌ای^(۵) رخ نداده است. علاوه بر این، در گذر دهه‌های اخیر، چندین دولت غیرعضو ان.پی.تی به سلاح‌های هسته‌ای دست یافته‌اند که مسئله‌ای بسیار نگران‌کننده است. لیکن نگران‌کننده‌تر اینکه، این وقایع وحشتناک با برخورد جدی و پیگیر اعضای قدرتمند قرارداد منع اشاعه، به‌ویژه پنج عضو دارای سلاح هسته‌ای،^(۶) روبه‌رو نشده است. در مقایسه با موارد دیگری از

برخورد اعضای قدرتمند قرارداد منع اشاعه با مسائل پیش روی آنها، به ماهیت به شدت سیاسی و دوگانه برخورد این اعضاء با تحولات و وقایع مرتبط با قرارداد پی می‌بریم. موضوع برنامه هسته‌ای صلح‌آمیز جمهوری اسلامی ایران، که حدود ده سال است در شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و شورای امنیت ملل متحد تحت بررسی است و موجب صدور و اجرای تحریم‌های بسیار ناعادلانه و سختگیرانه بین‌المللی و امریکایی - اروپایی علیه ایران شده است، از موارد شاخص این برخورد دوگانه است. مواردی از این قبیل، ارزش و اعتبار قرارداد ان.پی.تی را به طور جدی خدشه‌دار کرده است. در چنین شرایط بین‌المللی نگران‌کننده‌ای، صدور این فتوای جامع و محکم، که حاکی از حمایت و پایبندی رهبری در ایران نسبت به اصول منع اشاعه و خلع سلاح‌های تخریب جمعی است، می‌تواند با برخورداری از حمایت جدی دست‌اندرکاران و در شرایط مناسب بین‌المللی، راهگشای حل اختلافات، بی‌اعتمادی‌ها و مشکلات ایجادشده در طول زمان شود و در نهایت موجب تقویت موقعیت و اعتبار قراردادهای مربوطه در ابعاد ملی و بین‌المللی شود.

لذا با این مقدمه و برای درک بهتر مطلب، جزئیات بیشتری در مورد مفهوم فتوا در اسلام، منابع و چگونگی شکل‌گیری آن، ریشه‌های دینی و سوابق تاریخی منع روش‌های جنگی غیرانسانی و سلاح‌های تخریب جمعی در اسلام، فتوای آیت‌الله خامنه‌ای در مورد منع سلاح‌های تخریب جمعی و بازگویی و بسط آن بارها و در فرصت‌های مناسب توسط ایشان از سال ۱۳۸۴ به بعد، و میزان ثبات و ماندگاری فتوای مزبور، در پی خواهد آمد؛ سپس تلاش می‌شود تا در قالب بررسی همسویی‌های این فتوای فوق‌العاده مهم و ارزشمند با اصول بین‌المللی منع اشاعه و خلع سلاح هسته‌ای، به فهم درست‌تری نسبت به ارزش، اعتبار، ماندگاری و گستره تأثیر فتوای مزبور برسیم. در پهنه گسترده تأثیر فتوا، به عناصر مهم دکتین دفاعی و توسعه پایدار در سطح ملی و اعتمادسازی در سطح بین‌المللی نسبت به برنامه هسته‌ای صلح‌آمیز جمهوری اسلامی ایران توجه ویژه خواهد شد.

فتوا اصولاً به مفهوم «خبر دادن و رأی دادن و نظر را ابراز کردن است و در فقه نظر و رأی مستنبط فقیه است و اخبار از حکم است در وقایع و قضایا. و فرق آن با اخبار آن است که فتوا مجرد اخبار از حکم‌الله است. با آنکه حکم خدا در فلان

قضیه این است...» (سجادی، ۱۳۶۶). همچنین «فقه در لغت فهم باشد و در نزد فقها و اصولیان علم به احکام شرعی... است از راه طرق ادله تفصیلیه به استناد کتاب، سنت، اجماع و عقل... و به کسی که متصف بدان علم است مجتهد و صاحب فتوا و فقیه گویند» (سجادی، ۱۳۶۶). با توجه به این مفاهیم و موقعیت ویژه رهبر انقلاب، به عنوان ولی فقیه، تا حدی به ارزش و اعتبار فتوای مورد مطالعه، به عنوان یک حکم معتبر اسلامی و بلکه قانون و تعهد حکومتی، پی می‌بریم.

برای درک بهتر اعتبار اسلامی این حکم، باید توجه داشت که اصولاً حکمی از این نوع، که دارای شاخصه حقوقی بین‌المللی است، باید ریشه عمیق و محکمی در دین و بنیادهای حقوق بین‌الملل اسلامی، که از سوی برخی علما با عنوان «سیر»، جمع «سیره»، شناخته می‌شود، داشته باشد (ضیایی بیگدلی، ۱۳۶۶: ۲۳). حقوق مزبور از آیات قرآن کریم و تفاسیر مربوطه، روایات صحیح، عهدنامه‌ها بین مسلمانان و با غیرمسلمانان، دستورهای رسمی پیامبر (ص)، ائمه (ع) و خلفاء به فرماندهان، حاکمان و اطرافیان، دریافت می‌شوند (ضیایی بیگدلی، ۱۳۶۶: ۴۱-۲۷).

در آیات زیادی از قرآن کریم بر رفتار انسانی با دشمن و رعایت حقوق ایشان، به ویژه در زمان جنگ، تأکید شده است. هدف از جنگ در اسلام وارد آوردن بیشترین کشتار و آسیب جانی و مادی به دشمن نیست، و لذا استفاده از هرگونه سلاح یا روش کشتار و آسیب جمعی ممنوع است. طبق آیه ۱۹۰ از سوره بقره، «در راه خدا با کسانی که با شما می‌جنگند قتال کنید و تجاوز مکنید که خدا تجاوزکاران را دوست ندارد» (ضیایی بیگدلی، ۱۳۶۶: ۱۶۴). حتی در آیه ۶۰ سوره انفال که تأکید خاصی بر آمادگی رزمی مدافعان دارد، هیچ‌گونه اشاره‌ای به استفاده از روش‌ها و ابزار نامتعارف جنگی نشده است: «شما (ای مؤمنان) در مقام مبارزه با آنها (دشمنان) خود را مهیا کنید و تا آن حد که توانید از آذوقه و آلات جنگی و اسبان سواری برای تهدید دشمنان خود فراهم سازید...». مقصود از کلمه «قوه» در این آیه همه امکانات مجازی است که سرچشمه نیروی سپاه اسلام است.^(۷)

در سفارش به اهمیت آمادگی رزمی، حدیثی نیز از رسول اکرم (ص) نقل شده است: «بهترین مردم کسی است که عنان اسب خود را به دست فروگرفته باشد، تا چون آواز دهند به جنگ، همچون مرغ پیران بر آن جنگ شود.»^(۸) از این آیه، سفارش

سپاه اسلام به برخورداری، در درجه نخست، از توان واکنش سریع در رویارویی با حمله دشمن، و در درجات بعد، برخورداری از آذوقه فراوان و ابزار جنگ و امکانات حمل و نقل کارآمد و در بیشترین حد امکان پیشرفته برداشت می‌شود، که اساساً برای ایجاد بازدارندگی، لیکن به دور از به‌کارگیری راه‌ها و تسلیحات غیرانسانی کشتار جمعی است و در آن نشانی از توصیه به روش‌های غیرانسانی و کشتار جمعی وجود ندارد.

در تفکر اسلامی، به‌ویژه در نوع شیعی یا علوی آن، عدالت، به‌خصوص در بعد اجتماعی آن، در رأس امور مهم حکومتی قرار دارد. اولین امام شیعیان، حضرت علی(ع)، برقراری عدالت اجتماعی را، که دشمنان قوی‌دست و بسیاری داشت، برترین لازمه حکومت خویش بر مردم می‌دانست. در برابر اصرار شدید برخی همراهان به سیاست‌بازی و مصلحت‌گزینی در قبال دشمنان بسیار قدرتمند، بدعهد و ستمکار، ایشان می‌فرمایند: «شما از من می‌خواهید که پیروزی را به قیمت تبعیض و ستمگری به‌دست آورم؟ از من می‌خواهید که عدالت را به‌پای سیاست و سیادت قربانی کنم؟ خیر، سوگند به ذات خدا که تا دنیا دنیا است چنین کاری نخواهم کرد و به‌گرد چنین کاری نخواهم گشت» (مطهری (الف)، ۱۳۷۷: ۱۶۶).^(۹) مقصود اینکه، از دیدگاه شخصیتی که در جهان و به‌ویژه نزد ایرانیان، جایگاه و عزت و احترام فوق‌العاده ویژه‌ای دارد، «عدالت نباید فدای مصلحت شود».^(۱۰) از این‌روی، وی در «انعطاف‌ناپذیری در اجرای عدالت»، و «صراحت و صداقت در سیاست» شهره بود (مطهری (ب)، ۱۳۷۵: ۲۸-۲۷)؛ بنابراین، می‌توان فهمید که از دیدگاه آن شخصیت جهانی و همیشه جاودان، سلاح‌های تخریب جمعی، به‌واسطه ظرفیت کاربری آنها در اجرای جنایتی گسترده و نامحدود، به‌شدت ناعادلانه بوده و لذا از روی هیچ مصلحتی و در هیچ نقطه از جهان، داشت و استفاده از آن قابل پذیرش نیست.

در نگاهی کلی، برخی از مهم‌ترین آداب اسلامی برخورد با دشمن در میدان نبرد عبارتند از: دعوت دشمن به صلح، سازش، ایمان و عدالت، پیش از شروع نبرد؛ پرهیز از کشتن اطفال، زنان، پیرمردان و افراد ناتوان و کسانی که اسلحه خود را بر زمین نهاده‌اند و فراریان؛ مثله نکردن کشتگان دشمن؛ جلوگیری از به‌آتش کشیدن

زراعت و کشتزارهای دشمن، جز در مواقع ضروری و سرنوشت‌ساز؛ پرهیز از پیش‌دستی در شروع جنگ؛ مراعات اصول انسانی و اخلاقی در حین نبرد با دشمن؛ پرهیز از فریب دادن دشمن، پس از امان دادن به آنها و پیش از آغاز نبرد؛ ضرورت به‌کارگیری شهادت و مردانگی در برابر دشمن؛ پرهیز از زهرآلود کردن آبشخورها در سرزمین دشمن یا بستن آب بر روی آنها (جمشیدی، ۱۳۸۹: ۵۲۹-۵۲۴).

در مورد کاربرد سم و مواد شیمیایی مهلک علیه دشمن، بسیاری از علمای عالیقدر اسلام، از جمله شیخ طوسی، «این تاکتیک جنگی را ناروا دانسته و به گفته پیامبر (ص) استناد جسته‌اند که فرمود: در شهرهای دشمن سم نیاندازید».^(۱۱) در پیروی از سنت اسلامی، ابوبکر نیز در تعلیماتی که به ارتش در حال جنگ داده است... توصیه می‌کند که از راه شجاعت و نه هرگز به‌وسیله سم بر دشمن پیروز شوند».^(۱۲) «الهدایه نیز زهرآلود کردن آبشخورها را از جمله اعمال ممنوعه در جنگ می‌شمارد».^(۱۳)

اصل وفای به عهد از دیگر موارد مهم حقوق بین‌الملل اسلامی است. اسلام در قبال چنین اصلی تا آنجا پیش رفته است که آن را واجب شرعی قلمداد کرده است. این اصل مورد تأکید صریح آیات بسیاری در قرآن کریم است،^(۱۴) و مورد توجه خاص رسول اکرم (ص)، ائمه (ع) و دیگر بزرگان جامعه اسلامی بوده است.^(۱۵) در مورد صدور حکمی از این‌گونه در دهه‌های اخیر نیز سوابق چندی وجود دارد. مثلاً در سال ۱۳۲۹ به‌رغم مشکلات عمده‌ای که ایران، به‌واسطه دخالت خارجی درگیر آن بود، آیت‌الله سید ابوالقاسم کاشانی، رهبر نهضت اسلامی ضداستعماری در خاورمیانه و مبارزات ملی‌شدن نفت در ایران، بیانیه استکھلم،^(۱۶) مبنی بر منع کامل سلاح‌های هسته‌ای را مورد حمایت قرار داد (سالمی، ۱۳۹۱: ضمائم).

سه دهه بعد، امام خمینی، رهبر انقلاب اسلامی و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، باوجود اینکه ایران در دوران سخت جنگ تحمیلی ساخته غرب صدام حسین، دیکتاتور حاکم بر عراق، علیه ایران (۱۳۶۷-۱۳۵۹) به‌سر می‌برد و کشور آماج حملات کور موشکی و شیمیایی دشمن بود، در مقابل این اعمال جنایتکارانه که از حمایت کشورهای به اصطلاح متمدن و قدرتمند جهان نیز برخوردار بود و



سکوت مطلق شورای امنیت سازمان ملل متحد را به همراه داشت، در مقابل درخواست ملتمسانه فرماندهان نظامی، مبنی بر صدور فرمان اقدام به مقابله به مثل، ایشان ساخت و کاربرد سلاح‌های شیمیایی را غیرمجاز دانسته، مکرراً دعوت به صبر و خویشتن‌داری می‌نمود (مرندی و سلیمانی، ۱۳۸۳: ۵۱۱-۵۰۰).

مقام معظم رهبری نیز در مناسبت‌های مختلف، بر مخالفت خود با سلاح‌های تخریب جمعی، به‌ویژه سلاح‌های هسته‌ای و شیمیایی، تأکید کرده و متقابلاً بر حق همه کشورها در کسب و توسعه علوم در همه زمینه‌ها و به‌ویژه برخورداری از انرژی هسته‌ای برای مقاصد صلح‌آمیز تصریح نموده‌اند. در دیدار دانشگاهیان با ایشان، تیرماه ۱۳۸۳، بر نکات مهمی تأکید شد: یکی از موضوع‌هایی که قدرت‌های سلطه‌گر نمی‌گذارند در کشورهای آزاد یا زیر سلطه‌شان رشد کند و به شدت مانع آن می‌شوند، پیشرفت علم است، چون می‌دانند علم ابزار قدرت است؛ قدرت‌های سلطه‌گر «بین فناوری هسته‌ای و سلاح هسته‌ای خلط مبحث می‌کنند»؛ «اظهار نگرانی می‌کنند که شما ممکن است از این طریق بتوانید به سلاح هسته‌ای دست پیدا کنید... ما می‌گوییم نه، مطمئن باشید، ما دنبال سلاح هسته‌ای نیستیم»؛ «اما اگر از اینکه ملت ایران این فناوری را... دارد ناراحتند، و می‌خواهند آن را متوقف کنند، باز هم به آنها می‌گوییم، مطمئن باشید که ملت ایران زیر بار نخواهد رفت... این کار برای جلوگیری از وابستگی به بیگانگان و برای حفظ استقلال ملی است» (خامنه‌ای (الف)، ۱۳۸۳).

همچنین، در پیام رهبری به اجلاس بین‌المللی خلع سلاح در تهران، ۱۳۸۹/۱/۲۸، به اشارات مبسوط‌تری درباره منع سلاح‌های هسته‌ای برمی‌خوریم: «از زمانی که انفجار نخستین جنگ‌افزارهای هسته‌ای... در هیروشیما و ناکازاکی فاجعه‌ای انسانی با ابعاد بی‌سابقه در تاریخ آفرید و امنیت بشری را با تهدیدی عظیم مواجه ساخت، ضرورت نابودی کامل این سلاح‌ها مورد اجماع قاطع جامعه جهانی قرار داشته است. استفاده از سلاح هسته‌ای نه تنها به کشتار و تخریب گسترده منجر شد، بلکه میان آحاد ملت... تمایزی قائل نشد و آثار ضدبشری آن مرزهای سیاسی و جغرافیایی را درنوردید و حتی به نسل‌های بعدی نیز خسارت‌های جبران‌ناپذیر وارد نمود و لذا هرگونه استفاده و حتی تهدید به استفاده از این سلاح، نقض جدی

مسلم‌ترین قواعد بشردوستانه و مصداق بارز جنایت جنگی قلمداد می‌گردد. به‌لحاظ نظامی و امنیتی نیز به‌دنبال دستیابی چند قدرت به این سلاح ضدبشری، تردیدی باقی نماند که پیروزی در جنگ هسته‌ای ناممکن و درگیری در چنین جنگی غیرعقلانی و ضدانسانی است. به‌رغم این بدیهیات اخلاقی، انسانی و حتی نظامی، خواست مؤکد و مکرر جامعه جهانی برای نابودی این سلاح‌ها توسط گروه انگشت‌شماری از دولت‌ها، که امنیت خیالی خود را بر ناامنی همگانی بنا کرده‌اند، نادیده گرفته شده است.^{۱۳۸۹} اگرچه متن این پیام به‌روشنی گویای منع جامع و کامل سلاح‌های هسته‌ای و دیگر انواع سلاح‌های تخریب‌جمعی است، لیکن در پایان پیام نیز تصریح شده است که «ما کاربرد این سلاح‌ها را حرام و تلاش برای مصنویت بخشیدن ابناء بشر از این بلای بزرگ را وظیفه همگان می‌دانیم» (خامنه‌ای (ب)، ۱۳۸۹).

در دیدار با دانشمندان هسته‌ای، ۹۰/۱۲/۳، رهبری نظرات خود در ممنوعیت سلاح‌های هسته‌ای را بازگو نمودند و نسبت به هدف واقعی در پس جنجال هسته‌ای، پرخطر و پرخطر بودن دارایی این سلاح‌ها و به‌ویژه شکنندگی اقتدار متکی به سلاح هسته‌ای، توجه دادند. «جنجالی که راه می‌اندازند، با هدف این است که ما را متوقف کنند. می‌دانند که ما دنبال سلاح هسته‌ای نیستیم... واقعاً سلاح هسته‌ای به‌صرفه ما نیست؛ علاوه‌بر اینکه از لحاظ فکری و نظری و فقهی، ما این کار را خلاف می‌دانیم و این حرکت را حرکت خلافی می‌دانیم، ما استفاده از این تسلیحات را گناه بزرگ می‌دانیم، نگه داشتنش را یک کار بی‌هوده پرخطر پرخطر می‌دانیم و هرگز دنبالش هم نمی‌رویم... اقتدار را در سلاح هسته‌ای نمی‌دانیم و اقتدار متکی به سلاح هسته‌ای را هم می‌توانیم بشکنیم» (خامنه‌ای (ج)، ۱۳۹۰).

همسو با مطالب یادشده، طبق اظهار اردوغان، نخست‌وزیر ترکیه، فروردین ۱۳۹۱، «در دیدار با آیت‌الله خامنه‌ای، ایشان حرام بودن سلاح‌های هسته‌ای را گوشزد کردند و فرمودند که ایران قصد ساخت سلاح هسته‌ای ندارد.»^(۱۷) روزنامه صباح، چاپ ترکیه، که این مطلب را منتشر کرده، می‌افزاید: «نخست‌وزیر ترکیه به وزیر خارجه امریکا گفت فتوای رهبر ایران درباره حرام بودن سلاح هسته‌ای را باید باور کرد؛ چراکه از سوی ولی فقیه عنوان شده و چنین حکم‌هایی چون و چرا بردار

نیست» (۱۸).

اجلاس شهریور ۱۳۹۱ سران جنبش عدم تعهد در تهران فرصت مناسبی بود برای آگاه کردن سران ممالک و افکار عمومی جهانی از اهداف برنامه هسته‌ای صلح‌آمیز ایران و از فشار قدرت‌های سلطه‌گر با استفاده از راه‌های غیرمسئولانه، غیرقانونی و غیرانسانی تحریم همه‌جانبه، تهدید به حمله اتمی و جنگ، ترور دانشمندان هسته‌ای و جنگ سایبری برای تخریب دستاوردهای فنی ایران، برای حفظ انحصار خویش به فناوری هسته‌ای. بیانات رهبری در اجلاس، گویای ثبات رأی ایشان در حرمت همه انواع سلاح‌های تخریب جمعی و عزم ایران بر پیشرفت در زمینه فناوری صلح‌آمیز هسته‌ای بود. «سلاح هسته‌ای نه تأمین‌کننده امنیت و نه مایه تحکیم قدرت سیاسی است، بلکه تهدیدی برای این هردو است... جمهوری اسلامی ایران استفاده از سلاح هسته‌ای و شیمیایی و نظایر آن را گناهی بزرگ و نابخشودنی می‌داند. ما شعار «خاورمیانه عاری از سلاح هسته‌ای» را مطرح کرده‌ایم و به آن پایبندیم... شعار ما «انرژی هسته‌ای برای همه، و سلاح هسته‌ای برای هیچ‌کس» است» (خامنه‌ای (د)، ۱۳۹۱).

در این بیانات که دربردارنده نظر رهبری بر منع سلاح‌های هسته‌ای و روشنگر ابعاد مهم آن است، روی سخن، از یک سو، به دانشمندان هسته‌ای، سیاست‌سازان و دست‌اندرکاران حکومتی ایران، اعم از دولتی، پارلمانی و نظامی، و از سوی دیگر به جامعه بین‌المللی، اعم از اسلامی و غیراسلامی، کشورهای دارنده سلاح هسته‌ای و سایرین است. با این وصف، صرفاً از منظر یک حکم شرعی، مسلمانان مقلد ایشان موظف به حمایت نظری و تلاش عملی در راستای تحقق منع و خلع سلاح هسته‌ای و استفاده صلح‌جویانه از انرژی هسته‌ای در جهان هستند. اما از منظر یک حکم حکومتی، که منظر غالب است، اساساً این برعهده دولت و دیگر ارکان حاکمیت، به‌ویژه سازمان انرژی اتمی و طراحان و مجریان سیاست خارجی ایران است که در پی حفظ این مهم در کشور و تحقق آن در عرصه تعاملات بین‌المللی و خارجی باشند؛ و آخر اینکه، از منظر اخلاقی، چنین حکمی همه مردم جهان را سفارش به حمایت و تلاش جدی در راستای تحقق منع گسترش و خلع سلاح هسته‌ای و استفاده صرفاً صلح‌جویانه از انرژی هسته‌ای می‌کند.



۲. ماندگاری فتوا

با نگاهی واقع‌گرا (قدرت نظامی محور) به وضعیت منطقه‌ای ایران، ملاحظه وجود دولت‌هایی بی‌ثبات و بعضاً معاند در نزدیکی ایران و مسلح بودن برخی از آنها به انواع سلاح‌های تخریب جمعی، امتناع ماندگار کشوری به اهمیت ایران از مسلح شدن به سلاح‌های تخریب جمعی، ناممکن به نظر می‌رسد.

اگر دیگر کشورهای منطقه مسلح به سلاح هسته‌ای باشند، برای کشوری به اهمیت ایران غیرممکن خواهد بود که به‌طور ماندگار از دست یافتن به سلاح‌های هسته‌ای - دست‌کم به‌عنوان اقدامی محتاطانه - خودداری کند.... رهبران ایران خواهان تضمین‌هایی در مورد به‌اجرا در آمدن رویکردی هستند که بتواند آنچه آنان به‌عنوان تهدید بالقوه از سوی همسایگان خود، از جمله اسرائیل می‌بینند را از پیش روی بردارد. به دلایل سیاسی داخلی، آنها خواهان طرح مقاومت هسته‌ای خود به‌عنوان بخشی از یک جنبش برای تعهد مشترک و معتدل منطقه‌ای هستند (Cirincione, 2007).

بنابراین، با چنین نگاه نظامی محدودی به امنیت ملی و منطقه‌ای، به‌ناچار، صدور فتوا نیز می‌تواند به‌عنوان اقدامی مصلحت‌اندیشانه، به‌منظور پنهان کردن نیت واقعی ایران در پس برنامه انرژی هسته‌ای‌اش به‌شمار آید، لیکن، نگاه رهبری ایران به امنیت، با داشتن ریشه‌ای مستحکم در تاریخی شگرف، سرشار از آموزه‌های ارزشمند اخلاقی و حقوقی و عرف‌های میراث غنی فرهنگ ایرانی - اسلامی، پدیده‌ای بسیار فراتر از رویکردی صرفاً نظامی به مقوله امنیت ملی و منطقه‌ای است؛ از این روی، برخلاف ادعای سیرینسیونه، برای کشوری به اهمیت ایران، به‌هیچ‌وجه غیرممکن نخواهد بود که به‌طور دائم از دستیابی به سلاح‌های تخریب جمعی امتناع ورزد.

بنابراین با چنین فهمی از موضوع، این پرسش قابل طرح و بررسی است که برای چه مدت و تا چه اندازه فتوای هسته‌ای رهبری ماندگار خواهد ماند؟ به‌عنوان یک حکم شرعی که ریشه‌ای عمیق در اصول و احکام اسلامی دارد - که در بخش پیشین مورد بررسی قرار گرفت - فتوای مزبور منعکس‌کننده یک حکم اولیه اسلامی است. بدین ترتیب، حکم مزبور کمترین ارتباطی با مصلحت‌جویی یا تقیه ندارد و

حکمی همیشگی است.^(۱۹)

علاوه بر این، با ماهیت یک حکم حکومتی نیز به‌ویژه در شرایطی که اعتقادات اصیل، ساختار و کارآمدی حکومت جمهوری اسلامی دچار نقصان و دگرگونی اساسی نشده باشد، دلایل مهمی دال بر ماندگاری فتوای رهبری در ایران وجود دارد که برخی از آنها در اینجا مورد بررسی قرار خواهد گرفت. این دلایل، از ملاحظاتی قوی در عرصه‌های دینی، اخلاقی، فرهنگی، حقوقی، سیاسی، اقتصادی و فنی در ایران سرچشمه می‌گیرند. از جمله این دلایل عبارتند از: ممنوعیت خلل‌ناپذیر اسلامی در مورد سلاح‌های تخریب جمعی، در جایگاه یک اصل و حکم اولیه شرع اسلام؛ افزون بر فتوای تحریم، نظر رهبری مبنی بر نامطلوب بودن این‌گونه سلاح‌ها، به‌ویژه هسته‌ای، به‌سبب خطرات و هزینه‌های سنگین حفظ و نگهداری از آنها، و بی‌استفاده بودن آنها در قالب دکترین دفاعی اسلامی (خامنه‌ای (ج)، ۱۳۹۰)؛ تعهدات بین‌المللی ایران نسبت به معاهدات منع سلاح‌های تخریب جمعی، به‌ویژه هسته‌ای؛ ناممکن بودن دستیابی به و حفظ سلاح‌های هسته‌ای قابل اطمینان و کارآمد، بدون آزمایش‌های غیرقابل پنهان کردن انفجار هسته‌ای،^(۲۰) حفظ پایبندی به فتوا تسهیل‌کننده ارتقاء اعتماد و امنیت منطقه‌ای و بین‌المللی بوده و امکان توسعه پایدار فناوری صنعتی، از جمله هسته‌ای، در کشور را ترغیب و تمهید می‌کند؛ و درنهایت - و شاید از همه مهم‌تر - از دیدگاه عزت و حکمت اسلام و جمهوری اسلامی، صیانت از اعتبار و آبروی رهبر انقلاب و جمهوری اسلامی در گرو پایبندی قصورناپذیر حقوقی و اجرایی به فتوای رهبری است.

افزون بر نکات بالا، این نکته نیز قابل توجه است که در بین علمای برجسته دینی و شخصیت‌های بزرگ سیاسی و اجتماعی در ایران، در مورد درستی محتوای فتوا و پیامدهای بسیار خوب و مفید آن برای ایران و جهان، اتفاق نظر گسترده‌ای وجود دارد. برای مثال، تعداد زیادی از علمای بنام از جمله *آیت‌الله علوی گرکانی* (علوی گرکانی، ۱۳۹۱)، *آیت‌الله مکارم شیرازی* (مکارم شیرازی، ۱۳۹۱)، *آیت‌الله نوری همدانی* (نوری همدانی، ۱۳۹۱) و *حجت‌الاسلام دکتر مبلغی* (مبلغی، ۱۳۹۱) حمایت قوی خود را نسبت به فتوای منع سلاح‌های هسته‌ای ابراز کرده‌اند. این نکته نیز حائز اهمیت است که هیچ‌یک از علمای بلندپایه شیعی در ایران و

جهان، اظهارنظری در رد یا برخلاف فتوا نداشته‌اند. همچنین قابل توجه است که اصل منع سلاح‌های تخریب‌جیمی و حق ایران برای فناوری صلح‌آمیز هسته‌ای هیچ‌گاه موضوع کشمکش و نزاع قابل توجهی در بین گروه‌های مختلف اجتماعی در ایران نبوده است (Heeley, 2013).

اصل انسانی و فوق‌العاده مهم منع اشاعه سلاح‌های هسته‌ای، اساساً بر مبنای ملاحظات انحصارطلبانه پنج قدرت هسته‌ای موجود در دهه ۱۳۴۰^(۲۱) و نگرانی‌های آنها نسبت به خطرات ناشی از شکسته شدن انحصارشان و اشاعه این سلاح‌ها در جهان، به‌نحوی خاص در معاهده منع اشاعه سلاح‌های هسته‌ای (ان.پی.تی) تبلور یافت. این معاهده پس از مذاکرات طولانی و رویارویی با مشکلات بسیار، در قالب یک مقدمه و یازده بند، در سال ۱۳۴۷ به امضا رسید و در اسفند ۱۳۴۸ لازم‌الاجرا شد (ظریف و سجادی‌پور، ۱۳۸۷: ۵۸۲-۵۷۹).

این معاهده نتیجه سازش میان دیدگاه‌های ناهمگون در حوزه ممنوعیت یا عدم اشاعه سلاح‌های هسته‌ای، از یک سو و حق کشورها برای دستیابی به انرژی هسته‌ای برای مقاصد صلح‌آمیز، از سوی دیگر است. لذا معاهده بر سه پایه «حق کشورها در برخورداری از انرژی هسته‌ای برای مصارف صلح‌آمیز»، «ممنوعیت اشاعه» و درنهایت «خلع سلاح هسته‌ای» شکل گرفت که به‌عنوان سه ستون معاهده شناخته می‌شوند. به این سه ستون، به‌عنوان اصول بین‌المللی منع اشاعه و خلع سلاح هسته‌ای، در سطور زیرین بازگشت خواهیم کرد.

در این معاهده، به‌نحوی تبعیض‌آمیز و آشکار، اعضا به کشورهای دارنده سلاح هسته‌ای و بدون سلاح هسته‌ای تقسیم شده‌اند و دارای تکالیف و حقوق متفاوتی هستند. این رویه، اگرچه به‌درستی و منطقاً دستیابی به سلاح هسته‌ای را برای اعضا بدون سلاح هسته‌ای ممنوع ساخته، و سازوکار و برنامه مشخصی برای تحقق آن ارائه کرده، لیکن به‌شکلی متناقض، نه تنها تملک سلاح‌های هسته‌ای توسط کشورهای دارای آن را به رسمیت شناخته^(۲۲)، بلکه هیچ‌گونه سازوکار و برنامه مشخصی برای تحقق خلع سلاح هسته‌ای تعیین نکرده است.

برابر ماده یک معاهده، هریک از دولت‌های دارای سلاح هسته‌ای تعهد می‌کنند که «از انتقال مستقیم و غیرمستقیم سلاح هسته‌ای یا دیگر ادوات انفجاری هسته‌ای

یا کنترل بر این سلاح‌ها یا ادوات انفجاری هسته‌ای به هر دریافت‌کننده‌ای به هر صورت خودداری کنند» (Muller, Fischer & Kotter, 1994: 210) متقابلاً هریک از دولت‌های عضو بدون سلاح هسته‌ای، برابر ماده دو معاهده، متعهد شده‌اند «از قبول مستقیم و غیرمستقیم سلاح هسته‌ای یا دیگر ادوات انفجاری هسته‌ای یا کنترل بر این سلاح‌ها یا ادوات انفجاری هسته‌ای از هر انتقال‌دهنده‌ای خودداری کنند؛ به تولید یا کسب سلاح‌های هسته‌ای یا ادوات انفجاری هسته‌ای دست نزنند و از درخواست یا پذیرش کمک برای ساخت سلاح‌های هسته‌ای یا دیگر ادوات انفجاری هسته‌ای خودداری کنند.»^(۳۳)

همان‌گونه که در بالا قابل ملاحظه است، بندهای ۱ و ۲ معاهده، با اصل مهم «ممنوعیت اشاعه» که دارای طبیعت سلبی است مرتبط‌اند و به‌طور خلاصه، بر مبنای این اصل، کشورهای بدون سلاح هسته‌ای از تلاش برای دستیابی به این سلاح‌ها خودداری خواهند کرد و کشورهای دارای سلاح هسته‌ای از انتقال آن به سایرین امتناع خواهند ورزید. بند ۳ معاهده شامل پدید آوردن سازوکارهای نظارتی برای کسب اطمینان از عدم تخطی کشورها از اصل ممنوعیت اشاعه است که این نظارت از طریق آژانس بین‌المللی انرژی اتمی اعمال می‌شود.

بندهای ۳، ۴ و ۵ مشتمل بر موادی در مورد اصلی فوق‌العاده مهم، که طبیعتی ایجابی دارد، یعنی اصل «حق کشورها در برخورداری از انرژی هسته‌ای برای مصارف صلح‌آمیز»، است. در قالب این اصل، حق غیرقابل گسست کشورهای عضو برای دستیابی به انرژی هسته‌ای به رسمیت شناخته شده است و تصریح گردیده که هیچ‌یک از مقررات مندرج در معاهده و اعمال ترتیبات نظارتی نمی‌تواند خدشه‌ای بر این حق وارد کند. همچنین، در قالب این اصل بر ضرورت همکاری در حوزه انتقال فناوری صلح‌آمیز هسته‌ای تأکید شده است.

اصل خلع سلاح هسته‌ای در قالب ماده ۶ معاهده تبلور یافته است. در این قالب «هریک از طرف‌های این معاهده متعهد می‌شوند مذاکراتی را همراه با حسن نیت برای دستیابی به توافق در مورد اقدامات مؤثری مرتبط با توقف مسابقه تسلیحات هسته‌ای در آینده‌ای نزدیک و در مورد خلع سلاح هسته‌ای، و درخصوص معاهده‌ای برای خلع سلاح کامل و جامع تحت نظارت شدید و مؤثر

بین‌المللی به عمل آورند».^(۲۴)

اکنون که از یک سوی، اصالت، اعتبار، مناسبت، گستردگی، قطعیت، ثبات منطقی و ماندگاری حکم رهبری در منع تولید، نگهداری، کاربرد و تهدید به کاربرد سلاح‌های تخریب جمعی روشن شده است، و از سوی دیگر، اصول بین‌المللی منع اشاعه و خلع سلاح هسته‌ای، آن‌گونه که در قالب معاهده منع اشاعه سلاح‌های هسته‌ای تبلور یافته است را مرور کردیم، به بررسی همسویی‌ها و تفاوت‌های مهم این دو می‌پردازیم.

اگرچه در چارچوب بین‌المللی، این فتوا دارای ماهیت یکجانبه^۱ است، یعنی حکم و تعهدی خودساخته برای ایران اسلامی است، و در مقابل، قرارداد ان.پی.تی معاهده‌ای چندجانبه است، یعنی حاصل توافقی بین‌المللی می‌باشد، در یک ارزیابی کلی، این دو در سه اصل بنیادین منع اشاعه، کاربرد صلح‌آمیز و خلع سلاح هسته‌ای، با یکدیگر همسو و هم‌جهت هستند. البته حکم و ان.پی.تی این تفاوت‌های کلی را نیز با یکدیگر دارند که: حکم رهبری ریشه عمیق دینی و اخلاقی دارد و دارای بنیانی الهی و برای هدایت و نجات همه انسان‌ها از رنج و بدبختی است. در مقابل، ان.پی.تی اساساً نتیجه توافقی سیاسی و به شدت متأثر از امیال و آمال پنج قدرت هسته‌ای است؛ در فتوا هیچ رنگی از تبعیض نیست و لیکن بنیاد معاهده بر تبعیض و انحصارگری قدرت‌های هسته‌ای است؛ حکم رهبری در منع جامع سلاح‌های تخریب جمعی است، حال آنکه ان.پی.تی فقط محدود به منع سلاح‌های هسته‌ای بوده و از جامعیت حکم رهبری نیز برخوردار نیست.

بنا بر حکم رهبری، به روشنی و قطعیت، ساخت، نگهداشت و کاربرد سلاح هسته‌ای و دیگر سلاح‌های تخریب جمعی، به لحاظ دینی، حرام و از منظر حکومتی، غیرقانونی و ممنوع است. این حکم، اگرچه با الفاظی متفاوت از معاهده، لیکن با جامعیت و قطعیتی نه کمتر از آن، دستیابی ایران به سلاح‌های تخریب جمعی را منع می‌کند. ماده ۲ قرارداد، بر عدم پذیرش انتقال سلاح‌های هسته‌ای و دیگر ادوات انفجاری هسته‌ای یا کنترل بر آنها و بر عدم ساخت یا کسب این سلاح‌ها و ادوات

و عدم درخواست یا پذیرش کمک در ساخت آنها تأکید دارد. اگرچه در حکم رهبری از عباراتی نظیر «عدم پذیرش انتقال»، «ادوات انفجاری هسته‌ای»، «کنترل»، «کسب» و «درخواست یا پذیرش کمک در ساخت» سلاح‌ها و ادوات انفجاری هسته‌ای، استفاده نشده است، لیکن حکم رهبری، با صراحت و تأکید بر ممنوعیت ساخت، نگهداشت، کاربرد و حتی تهدید به سلاح هسته‌ای، منطقیاً همه فعالیت‌ها، ابزار و ادوات ممنوعه در ماده ۲ قرارداد را مورد پوشش قرار داده است.

اگرچه همانند قرارداد ان.پی.تی،^(۲۵) در حکم رهبری نیز سازوکار مستقلاً برای راستی‌آزمایی پایبندی به منع سلاح‌های هسته‌ای مطرح نشده است، لیکن اشاره‌ای صریح، رسمی، در مجمعی بین‌المللی و در ارتباط مستقیم با حکم رهبری، مبنی بر اینکه «علاوه بر اقدامات داوطلبانه شفاف‌سازی، ایران طیف کامل فعالیت‌های هسته‌ای خود را تحت نظارت پادمانی آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و پروتکل الحاقی قرار داده است» (IAEA, 2005: 121) وجود دارد. لذا حکم رهبری، در ظرفیتی بسیار برتر از ان.پی.تی، یعنی در ظرفیت پروتکل الحاقی، قائل به راستی‌آزمایی پایبندی است. در مقایسه با ترتیبات معمول نظارت پادمانی آژانس نسبت به فعالیت‌های هسته‌ای صلح‌آمیز یک عضو فاقد سلاح هسته‌ای، پروتکل الحاقی بازرسی‌های به‌مراتب مؤثرتری را طلب می‌کند.

در مورد ماندگاری پایبندی به اصل عدم اشاعه سلاح‌های هسته‌ای، برخلاف ماده ۱۰ قرارداد که به امکان و شرایط ترک پایبندی مربوط است، حکم رهبری دارای گرایش همیشه ماندگار نسبت به پایبندی بوده، به‌واسطه طبیعت فوق‌العاده غیرانسانی سلاح‌های تخریب جمعی، هیچ‌گونه جایی برای ترک پایبندی به تعهد عدم اشاعه سلاح‌های هسته‌ای قائل نیست. این نقطه قوت فتوا نیز، عملاً تقویت‌کننده اعتبار و بقای قرارداد و اصل منع اشاعه است. به‌دلیل این ماندگاری پایبندی، فتوا در جایگاهی به‌مراتب برتر از قرارداد ان.پی.تی است. اگرچه این ماندگاری، در درجه اول، مربوط به ایران است، لیکن اثرات آن محدود به ایران، خاورمیانه و دولت‌های اسلامی نبوده، از ظرفیت تأثیرگذاری جهانی و بین‌المللی، در تقویت اصل منع اشاعه، برخوردار می‌باشد.

همان‌گونه که حق کاربرد انرژی هسته‌ای برای مصارف صلح‌جویانه دارای

جایگاه ویژه‌ای در قرارداد است، این اصل در فتوا نیز نقشی محوری داشته و به‌عنوان حقی مسلم تلقی می‌شود. اگرچه در قرارداد، نوعی معامله، در قالب استفاده صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای، در برابر عدم دستیابی به سلاح هسته‌ای، مشهود است، در حکم رهبری معامله‌ای در کار نیست. در عرصه حکم، عدم دستیابی به سلاح هسته‌ای، مشروط به امکان استفاده صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای نشده است. به این دلیل نیز، فتوا از قدرت و ظرفیت ارزشی و حقوقی برتری نسبت به قرارداد، در تقویت اصل منع اشاعه و حفظ پایبندی بین‌المللی به آن برخوردار است.

اصل خلع سلاح هسته‌ای، آن‌گونه که ماده ۶ قرارداد به آن اشاره دارد، به‌خوبی نشان‌دهنده وجود مشکل بزرگ رقابت تسلیحات هسته‌ای^۱ در راه دستیابی به خلع سلاح هسته‌ای است. در این ماده، دو موضوع مهم توقف رقابت تسلیحات هسته‌ای و خلع سلاح هسته‌ای، که هر یک به‌تنهایی و در جای خود نیز بسیار پیچیده‌اند، با موضوع فوق‌العاده غامض خلع سلاح کامل و جامع همراه و همداستان شده است که عملاً و به‌طور ماندگار، تحقق آنها را ناممکن می‌کند. با این وصف، شاید به‌سختی بتوان ذره‌ای همسویی بین فتوا و قرارداد پیدا کرد. اگرچه هر دو منبع به موضوع خطیر «خلع سلاح هسته‌ای» اشاره دارند، همسویی آن دو در همین جا خاتمه می‌یابد؛ زیرا ماده ۶ قرارداد به‌گونه‌ای تدوین شده که در ابعاد نظری و عملی، رسیدن به توقف رقابت تسلیحات هسته‌ای و خلع سلاح هسته‌ای به‌طور دائم ناممکن به‌نظر می‌رسد. در مقابل، حکم رهبری، به‌طور صریح و بدون قیدوشرط، بر خلع سلاح‌های تخریب‌جمعی تأکید دارد.

در مورد موضوع بسیار مهم ماندگاری یا تمدید قرارداد،^(۲۶) در پی توافقی در «کنفرانس تمدید»^۲ در سال ۱۹۹۵، قرار بر این شد که معاهده ان‌پی‌تی به‌طور نامحدود لازم‌الاجرا باقی بماند. طبق این توافق که بین گروه کشورهای غربی و گروه غیرمتعهدها انجام شد، قرار بر این شد که در قبال تمدید نامحدود، سه مورد بسیار مهم و لیکن مغفول‌مانده تعهد به خلع سلاح هسته‌ای، ضرورت عمومیت یافتن ان‌پی‌تی و تشکیل منطقه عاری از سلاح‌های هسته‌ای در خاورمیانه، به‌طور

1. Nuclear Arms Race
2. Extension Conference



جدی مورد توجه و تعهد اعضاء قرار گیرد. متأسفانه، با گذشت نزدیک به ۲۰ سال از کنفرانس تمدید، سه ضرورت اخیر همچنان مورد بی‌اعتنایی قدرت‌های هسته‌ای قرار دارند و در مورد آنها اقدام قابل توجهی انجام نشده است؛ لذا، با ادامه این وضعیت، بیم آن می‌رود که ماندگاری آن. پی. تی به نحو فزاینده‌ای ضربه‌پذیر شود.

نتیجه‌گیری

در جریان این مطالعه، مروری بر ریشه‌های حقوق بین‌الملل اسلامی در منع سلاح‌های تخریب جمعی داشتیم. در قالب این مرور، و با توجه به نظام بین‌المللی ناعادلانه، غیرمنصفانه و خطرناک جاری، که به‌وضوح در رفتار قدرت‌های بزرگ در عرصه تحریم‌ها علیه برنامه انرژی هسته‌ای صلح‌آمیز ایران مشهود است، تعهد اخلاقی و حقوقی جمهوری اسلامی ایران را بررسی کردیم و به عمق آن پی بردیم. بررسی اخیر، همچنین نشانگر این حقیقت شد که به‌دور از اتهامات عدم وجود فتوای رهبری علیه سلاح‌های تخریب جمعی و مصلحتی بودن آن، به‌واقع فتوای فوق‌العاده ارزشمندی در این مورد وجود دارد که دارای ماهیتی بسیار اصیل، مسئولانه و شجاعانه است.

علاوه بر این، فتوای مزبور که در عالی‌ترین سطح حکومتی در جمهوری اسلامی ایران صادر شده، تنها یک حکم شرعی نیست، بلکه حکم حکومتی بسیار مهم و تأثیرگذاری نیز می‌باشد. از این منظر، فتوای رهبری موجب ارتقای کیفی و بنیادین تعهد ایران در عرصه داخلی و بین‌المللی به اصل منع سلاح‌های تخریب جمعی شده است. فتوا، از یک سو، منع سلاح‌های تخریب جمعی را در سطح ملی مورد توجه، تصدیق و تحکیم قرار داده، و از سوی دیگر، در دادن آگاهی و اطمینان به جامعه بین‌المللی و افکار عمومی در سطح جهان نسبت به تعهد عمیق ایران به اصول بین‌المللی منع سلاح‌های تخریب جمعی اثرگذار بوده است. این فتوا یکی از مهم‌ترین نمادهای تعهد جدی ایران به ممنوعیت سلاح‌های تخریب جمعی است. این نکته نیز دارای اهمیتی مشابه است که به موازات تأکید بر منعی جامع نسبت به این سلاح‌ها، فتوا بر حق ایران و دیگر کشورهای غیرهسته‌ای عضو آن. پی. تی به بهره‌گیری صلح‌آمیز از فناوری هسته‌ای اصرار دارد.

همچنین قابل توجه است که حکم رهبری هویت ایرانی - اسلامی داشته و در راستای ملاحظات آرمانی جمهوری اسلامی ایران قرار دارد. از یکسو، معرف طبیعت الهی و رحمانی دکترین امنیت ملی کشور است، و از سوی دیگر و به موازات هم، دو امر بسیار مهم و خطیر حفظ صلح و امنیت بین‌المللی و پیشبرد دانش و فناوری صنعتی ایران را در جهان بی‌ثبات و پرتنش امروز مورد پشتیبانی قرار می‌دهد.

در جریان این مطالعه، همچنین به نگرش حقوق بین‌الملل اسلامی به سلاح‌های تخریب جمعی، به‌ویژه سلاح‌های هسته‌ای، و به عمق تعهد اخلاقی و حقوقی ایران اسلامی به این اصول پی بردیم. این نکته مهم نیز مورد اشاره قرار گرفت که برخلاف برخی ادعاهای نادرست و به‌رغم وجود سیاست‌های غلط بین‌المللی و تحریم‌های هسته‌ای تبعیض‌آمیز علیه ایران، صدور حکم رهبری تقیه‌ای مصلحت‌اندیشانه نبوده، بلکه به‌واقع، اقدامی مسئولانه و تاریخی در تثبیت موضوع حکم در سطح ملی و همچنین برای یادآوری و روشن‌سازی افکار عمومی در سطح جهانی، نسبت به پایبندی ریشه‌دار عقیدتی - اخلاقی و حقوقی ایران به ملاحظات انسان‌دوستانه در جنگ بوده است.

وسعت و صراحت فتوا و پشتیبانی وسیعی که در ایران و جهان از آن صورت گرفته است، بیانگر ظرفیت حقوق اسلامی و ظرفیت فقهای برجسته جهان اسلام در حمایت از اصل و هدف بین‌المللی منع اشاعه و خلع سلاح هسته‌ای است. البته ایران، خیلی زود پس از پیروزی انقلاب اسلامی، با اعلان حفظ پایبندی به قرارداد منع اشاعه سلاح‌های هسته‌ای، به‌لحاظ حقوقی و سیاسی متعهد به اصول و اهداف این قرارداد بین‌المللی باقی ماند. لیکن، به‌رغم کاستی‌های فراوان قرارداد ان.پی.تی و رژیم منع اشاعه، با صدور حکمی دارای معنویت، اصالت، اعتبار، ثبات دینی و منطقی، و گرایش انسان‌دوستانه، دگربار حاکمیت جمهوری اسلامی ایران، در بالاترین سطح، بدون هیچ‌گونه تحفظی، بر تعهد ایران در قبال قرارداد منع اشاعه تأکید ورزید. با توجه به این شرایط، حکم صادرشده را می‌توان به‌عنوان یکی از پیشروترین اقدامات ملی در راستای ارتقای رژیم منع سلاح‌های تخریب جمعی، به‌ویژه ان.پی.تی و در نتیجه نیروبخش صلح و امنیت بین‌المللی دانست.

در کنار رد جامع و کامل سلاح‌های تخریب جمعی در ایران و جهان، فتوا بر حق ایران و همه کشورهای فاقد سلاح هسته‌ای به پیشبرد برنامه‌های صلح‌آمیز هسته‌ای‌شان که متضمن پیشبرد فناوری صنعتی، توسعه پایدار و استقلال ملی آنهاست تأکید دارد. لذا می‌توان صدور این حکم در منع همه‌جانبه سلاح‌های مزبور را نمادی از انسان‌دوستی عمیق و پایبندی استوار به پیمان‌ها از یک‌سو و از سوی دیگر، تسلیم‌ناپذیری و مقاومت در مقابل خواسته‌های بی‌جا و کردارهای نادرست، غیرقانونی و جنایت‌بار برخی قدرت‌ها دانست. این تسلیم‌ناپذیری نیز، برخلاف برخی برداشت‌ها، تعابیر و تبلیغات نادرست و گمراه‌کننده از اسلام و انقلاب اسلامی، به‌ویژه در غرب، که برنامه فناوری صلح‌آمیز هسته‌ای ایران را به‌عنوان پوششی برای دستیابی پنهانکارانه به سلاح هسته‌ای معرفی می‌کنند، درحقیقت، ریشه در اصول ارزشی عزت و حکمت در اسلام راستین دارد.

در قالب بررسی همسویی‌های فتوای رهبری با اصول بین‌المللی منع اشاعه و خلع سلاح هسته‌ای، آن‌گونه که در ان.پی.تی تبلور یافته است، به همگونی‌هایی برخوردیم؛ لیکن فتوا اگرچه اساساً در مورد ایران است، در زمینه‌های اصولی مهمی، از ثبات، قدرت، وسعت و ماندگاری بسیار برتری نسبت به قرارداد ان.پی.تی برخوردار است. زمینه‌های فوق‌العاده مهم دیگری، مانند تعهد به عدم کاربرد سلاح هسته‌ای و عدم تهدید به کاربرد آن نیز، که ارتباط مستقیم و تعیین‌کننده‌ای با صلح و امنیت و بلکه بقای نوع بشر و جهان هستی دارد و قویاً مورد تأکید حکم رهبری است، در هیچ جایی از قرارداد، حتی مورد اشاره قرار نگرفته است.

لذا در شرایط خطرناک جاری حاکم بر روابط بین‌الملل که پدیده‌هایی چون نقض گسترده و آشکار عرف و حقوق بین‌الملل، بی‌عدالتی و تبعیض، تروریسم دولتی و غیردولتی، و تجاوز به حقوق و آزادی‌های ملی و مردمی، از شاخصه‌های اصلی آن است، فتوایی این‌گونه پاک، رها از قیدها و ملاحظات تنگ‌نظرانه دارای سرچشمه در امیال و منافع ملی یا منافع افسارگسیخته شرکت‌های چندملیتی، به‌حق گنجینه‌ای ارزشمند و پر قدر است.

بنابراین، حکم رهبری بر منع سلاح‌های تخریب جمعی، امیدبخش تأثیرگذاری سازنده این راهکار بر روابط بین‌الملل و نویددهنده اشاعه امنیت، توسعه و صلح



جهانی است، لیکن برای کاستن و حل مشکلات و مسائل پیش‌روی، به‌ویژه یافتن راهکارهای مؤثر برای گذر امن از دیوارهای بلند و سترگ بی‌اعتمادی و تحقق زود هنگام، پویا و کارآمد اهداف یادشده، نیاز مبرمی به کسب، حفظ و تقویت برخی توانایی‌ها داریم. از جمله، انجام مطالعات، تحقیقات، تبادل نظر و هم‌فکری بیشتر برای دستیابی متقابل به فهم و شناختی برتر نسبت به خطرات و مشکلات پیش‌روی جامعه جهانی، یک نیاز مبرم جهانی است.

بر این مبنا با توجه به درایت، مقاومت و تلاش خستگی‌ناپذیر مردم ایران در راستای ارتقای صلح، امنیت، عدالت و توسعه در سطوح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی، از یک سو و شرایط سیاسی مساعد در ایران، به‌ویژه به‌واسطه روی کار آمدن دولت جدید به ریاست دکتر روحانی، و امکان به‌ثمر نشستن گسترده این قابلیت‌ها، از سوی دیگر، امید آن می‌رود که در قالب روابط و مذاکرات ایران و کشورهای ۱+۵، برمبنای شناختی درست از ظرفیت‌ها و توانایی‌های یکدیگر، حفظ و ارتقای احترام متقابل و رعایت کامل حقوق، آزادی‌ها و استقلال ملت ایران، اعتماد و اطمینان لازم به‌طور متقابل به‌دست آمده و عمق یابد؛ ولی تحریم‌های بی‌اثر بر برنامه صلح‌آمیز انرژی هسته‌ای ایران و به‌شدت ظالمانه نسبت به مردم برچیده شود؛ تحت نظارت پادمانی بین‌المللی، برنامه صلح‌آمیز انرژی هسته‌ای ایران تداوم و توسعه یابد؛ و با رشد تفاهم، دستیابی به توافقات و اجرای همکاری‌های بین‌المللی لازم، تحقق اصول و کارآمدی رژیم‌های منع سلاح‌های تخریب جمعی از وضعیت به‌شدت تبعیض‌آلود کنونی پاک شده، جهان شمول شود و به‌نحوی مؤثر به تقویت و پایداری صلح، امنیت و توسعه در جهان کمک کند.



یادداشت‌ها

۱. این مقاله به گزارشی از انستیتوی تحقیقاتی خاورمیانه در بیت المقدس استناد می‌کند که ادعا دارد فتوایی ضد هسته‌ای از رهبر جمهوری اسلامی وجود ندارد.
۲. اگرچه در همه نوشتارهایی که دیده‌ام، و نیز در این متن، از عنوان «فتوا» در مورد اعلان نظر رهبر انقلاب اسلامی درباره منع سلاح‌های هسته‌ای، استفاده شده است، لیکن همان‌گونه که در سیر این مطالعه روشن خواهد شد، اعلام نظر مزبور چیزی بسیار فراتر از یک فتوای صرفاً شرعی، بلکه همچنین یک حکم حکومتی فوق‌العاده مهم است، چراکه داری پیامدهای تعیین‌کننده و بسیار مهم ملی و بین‌المللی، به‌ویژه در ابعاد حقوقی، سیاسی و امنیتی است.
۳. این مقاله با مشابه آن به انگلیسی (Shahabi Sirjani, 2013) اگرچه در ساختار، نسبتاً همگون است، لیکن در متن، دارای تفاوت‌های بسیاری می‌باشد. در چارچوب مباحث مختلف در این مقاله، تلاش شده تا متون مربوطه از گستردگی، عمق و روشنی بیشتری برخوردار باشند.
۴. به‌عنوان مثال در دو مقاله منتشرشده از سوی «انستیتوی واشنگتن برای سیاست شرق نزدیک» به غلط چنین ادعایی شده است (Eisenstadt & Khalaj, 2011).
۵. ماده ۶ قرارداد ان.پی.تی.
۶. امریکا، انگلیس، روسیه، فرانسه و چین.
۷. ترجمه الهی قمش‌های، به نقل از قرآن مجید، صص ۱۶۲-۱۶۱.
۸. قرآن مجید.
۹. نهج البلاغه، خطبه ۱۲۶.
۱۰. نهج البلاغه، ص ۱۱۵.
۱۱. جلال‌الدین فارسی، حقوق بین‌الملل اسلامی، ص ۲۷، به نقل از (ضیایی بیگدلی، ۱۳۶۶: ۱۷۱).
۱۲. جلال‌الدین فارسی، حقوق بین‌الملل اسلامی، ص ۲۷، به نقل از (ضیایی بیگدلی، ۱۳۶۶: ۱۷۱).
۱۳. استاد احمد رشید، اسلام و حقوق بین‌الملل عمومی، ۱۷۷، به نقل از قرآن مجید
۱۴. آیات ۱۷۷ بقره، ۱ مائده، ۲۰ رعد و...
۱۵. قرآن مجید، صص ۴۴-۴۵.

16. Approved by the World Peace Council, Stockholm Appeal, March 1950, called for "an Absolute Ban on Nuclear Weapons..."

۱۷. «وقتی ولی فقیه می گوید سلاح هسته‌ای حرام است یعنی حرام است»، جهان‌نیوز، ۱۳۹۱/۱/۱۷ (TehranTimes, 2012).

۱۸. جهان‌نیوز، ۱۳۹۱/۱/۱۷.

۱۹. مبلغی (Moballeghi, 2012) نیز بر این عقیده است.

۲۰. به واسطه فعالیت دائم و گسترده شبکه نظارت بین‌المللی معاهده منع جامع آزمایش‌های هسته‌ای.

۲۱. امریکا، شوروی، انگلیس، فرانسه و چین.

۲۲. معاهده منع سلاح‌های هسته‌ای.

۲۳. معاهده منع سلاح‌های هسته‌ای.

۲۴. معاهده منع سلاح‌های هسته‌ای.

۲۵. بند (۱) ۳ ان.پی.تی.

۲۶. بند (۲) ۱۰ ان.پی.تی.



منابع

الف - فارسی

جمشیدی، محمد. ۱۳۸۹. *مبانی اندیشه نظامی در اسلام*. تهران: مؤسسه چاپ و انتشارات دانشگاه جامع امام حسین.

خامنه‌ای (الف)، سیدعلی. ۱۳۸۳/۴/۱. *بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار اعضای هیئت علمی و کارشناسان جهاد دانشگاهی، بازیابی از پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر مقام معظم رهبری:*

<http://www.leader.ir>

خامنه‌ای (ب)، سیدعلی. ۱۳۸۹/۱/۲۸. *پیام رهبر معظم انقلاب اسلامی به اجلاس بین‌المللی خلع سلاح در تهران، بازیابی در ۱۳۹۲، از پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر مقام معظم رهبری:*

<http://www.leader.ir>

خامنه‌ای (ج)، سیدعلی. ۱۳۹۰/۱۲/۳. *بیانات رهبری در دیدار دانشمندان هسته‌ای، بازیابی از پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر مقام معظم رهبری:*

<http://www.leader.ir>

خامنه‌ای (د)، سیدعلی. ۱۳۹۱/۶/۹. *بیانات رهبری در شانزدهمین اجلاس سران جنبش عدم تعهد در تهران، بازیابی از پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر مقام معظم رهبری:*

<http://www.leader.ir>

سالمی، محمد حسن. ۱۳۹۱. *یاد باد، امریکا: شرکت انتشارات سایه*. سجادی، سید جعفر. ۱۳۶۶. *فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان ایران*. ضیایی بیگدلی، محمدرضا. ۱۳۶۶. *اسلام و حقوق بین‌الملل*. شرکت سهامی انتشار. ظریف، محمد جواد و محمد کاظم سجادیپور. ۱۳۸۷. *دیپلماسی چندجانبه، جلد دوم*. تهران: دانشکده روابط بین‌الملل.

علوی گرکانی، سید محمد علی. ۱۳۹۱/۳/۲۴. *فتوای مقام معظم رهبری درباره سلاح هسته‌ای مورد اتفاق مراجع است*. بازیابی از خبرگزاری رسا:

<http://www.rasanews.ir/NSite/FullStory/?Id=130677>

مبلغی، احمد. ۱۳۹۱/۳/۲. *حکم حرمت تولید سلاح‌های هسته‌ای تقیه‌ناپذیر است*. بازیابی

از خبرگزاری رسا:

<http://www.rasanews.ir/NSite/FullStory/?Id=129142>

مرندی، مهدی و داوود سلیمانی. ۱۳۸۳. **دفاع مقدس در اندیشه امام خمینی**. مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).

مطهری (الف)، مرتضی. ۱۳۷۷. **سیری در نهج البلاغه**، انتشارات صدرا.

مطهری (ب)، مرتضی. ۱۳۷۵. **سیری در سیره ائمه اطهار (ع)**، انتشارات صدرا.
مکارم شیرازی، ناصر. ۱۳۹۱/۶/۸. **حرمت تولید و به کارگیری سلاح های کشتار جمعی مورد اتفاق علمای دینی ما است**. بازیابی از خبرگزاری رسا:

<http://www.rasanews.ir/NSite/FullStory/?Id=136791>

نوری همدانی، حسین. ۱۳۹۱/۶/۸. **پیام آیت الله نوری همدانی به اجلاس نم، بازیابی از جهان نیوز:**

<http://www.jahannews.com>

ب - انگلیسی

Black, I. 2010 28-May. "Nuclear Arms Treaty Agreement With Hope for Deal on Middle East", Retrieved 2013 20-June from The **Guardian**:

<http://www.guardian.co.uk>

Cirincione, J. 2007. **Bomb Scare: The History and Future of Nuclear Weapons**, New York: Columbia University Press.

Drell, S. D and J. E. Goodby. 2003. **The Gravest Danger: Nuclear Weapons**, Stanford: Hoover Institute Press.

Eisenstadt, M. and M. Khalaj. 2011 September. "Nuclear Fatwa: Religion and Politics in Iran's Proliferation Strategy", **Policy Focus #115**.

Heeley, L. 2013 31-05. "Iran's Elections and the Nuclear Issue, From **Foreign Policy**: http://mideast.foreignpolicy.com/posts/2013/05/31/irans_elections_and_the_nuclear_issue.

IAEA, I. 2005, 15-September. **Communication dated 12 September 2005 from the Permanent Mission of the Islamic Republic of Iran to the Agency**, from IAEA: <http://www.iaea.org/Publications/Documents/Infocircs/2005/infocirc657.pdf>.

Muller, H., Fischer, D and W Kotter. 1994. **Nuclear Non-Proliferation and Global Order**. Oxford University Press.

Osborne, P. 2013 21-April. "How the West Missed a Chance to Make Peace with Tehran", From: **Daily Telegraph**: <http://www.telegraph.co.uk/news/worldnews/middleeast/iran>.

Porter, G. 2012 April 19. **Iran's Distrusted Fatwa Against Nukes**,

consortiumnews: <http://consortiumnews.com>.

Shahabi Sirjani, F. 2013, Summer. "Iran's Nuclear Fatwa", **Iran Review of Foreign Affairs**, No. 14.

Smith, L. 2012 25-April. "Iran's Missing Nuclear Fatwa", from **Tablet Magazine**: <http://www.tabletmag.com/jewish-news-and-politics>.

Tannenwald, N. 2005 7-Nov. "The Nuclear Taboo and the Nuclear Nonproliferation Regime", From **Carnegie Endowment**: http://www.carnegieendowment.org/static/npp/2005conference/presentations/tannenwald_remarks.pdf.

WMDCommission. 2006. **Weapons of Terror: Freeing the World of Nuclear, Biological and Chemical Arms**, Stockholm: EO Grafiska.

